

## A Meta-Synthesis of Iranian Studies on Government Downsizing in Iran

**Gholamreza Haddad** 

Assistant Professor, Department of Political  
Economy and Public Policy, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Ali Aleali** \* 

M.A., Department of Political Science,  
Allameh Tabataba'i University, Tehran,  
Iran

### Extended Abstract

#### Introduction

Different schools of thought in political economy offer varying perspectives on the size of government and its impact on policy efficiency and market productivity. Since the 1980s, government downsizing has been proposed as a means to increase economic efficiency, improve the effectiveness of public sector management, and foster private sector participation. However, a major challenge with the government downsizing approach lies in the ineffectiveness of government intervention in the economy. Such intervention, often

---

\* Corresponding Author: Ghrhaddad@gmail.com

**How to Cite:** Hadad, G. and Aleali, A. (2024). Meta-synthesis of Iranian Research about the Downsizing of the Government in Iran. *State Studies*, 10 (39), 209-252.

Doi: 10.22054/tssq.2025.70381.1339

through creating monopolies for state-owned companies and actors, reduces competition and stifles innovation among private enterprises. The economic recession of the 1970s and the debt crisis in developing countries underscored the necessity for government downsizing. To address these challenges, many countries sought assistance from the World Bank and the International Monetary Fund (IMF), adopting policies aimed at reducing state ownership. The excessive involvement of governments in economic activities was considered a serious problem. In Iran, government downsizing has similarly provoked a wide array of perspectives among researchers. Iranian scholars have employed diverse methodologies, frameworks, and data analyses to explore this subject, leading to a variety of conclusions and results. This diversity makes it challenging to gain a coherent and systematic understanding of the different viewpoints on government downsizing, limiting their applicability in both research and policymaking. To address this challenge, innovative research methods are required to classify previous studies systematically and synthesize their findings. Meta-synthesis is an appropriate method for achieving this goal. By systematically reviewing and analyzing studies on a particular topic, the meta-synthesis approach provides a comprehensive perspective on existing research. In this respect, the current study aimed to apply the meta-synthesis method to the studies related to government downsizing in Iran. The primary objective was to evaluate and classify the opinions of Iranian scholars systematically, offering a new synthesis of existing studies. Accordingly, the main research question is: What is the synthesis of Iranian researchers' views regarding the goals, solutions, and challenges in the process of government downsizing in Iran?

### **Materials and Methods**

The present study used the meta-synthesis method to evaluate Iranian researchers' views on the goals, solutions, and challenges of government downsizing in Iran. It systematically classified these perspectives to provide a new synthesis of previous studies. The analysis included 33 studies, chosen from a pool of over 100 based on criteria such as scientific validity, the credibility of the publisher, the academic and research background of the authors, and the citations.

### **Results and Discussion**

According to the results, Iranian researchers consider several goals for government downsizing in Iran, including reducing government economic activities, increasing efficiency, and fostering market competition. In terms of downsizing solutions, privatization, modern public management practices, and good governance were identified as key strategies. The studies also highlight several obstacles to government downsizing in Iran, namely rentierism, the influence of Iranian political culture, the absence of necessary prerequisites for implementing downsizing policies, and the risk of class conflict arising from these policies. Finally, the synthesis proposed the public-private partnership (PPP) model as a novel solution for government downsizing, offering it as an alternative to previously suggested strategies.

### **Conclusion**


Leveraging the expertise and experience of the private sector in Iran's economy, whether through downsizing initiatives or more broadly, presents a distinct context due to the access to natural rents in Iran. This situation contrasts significantly with the early models of government downsizing implemented in countries like the United Kingdom and the United States. The current synthesis advocated for

the adoption of the public–private partnership (PPP) model. This approach strikes a balance between the knowledge, expertise, and market-based performance of the private sector, and the responsibility and accountability of government institutions. As a result, it becomes possible to reduce the economic burden on government institutions while safeguarding natural rents—which belong to all members of society—from being converted into private property.


**Keywords:** Government downsizing, Meta-synthesis, Privatization, rentierism, Public–private partnership.

## فرا ترکیب آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک سازی دولت در ایران

استادیار اقتصاد سیاسی و سیاستگذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

غلامرضا حداد 

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی آل علی \* 

### چکیده

کوچک سازی دولت به عنوان راه حلی برای کاهش ناکارآمدی اقتصادی دولت از دهه ۸۰ میلادی مد نظر پژوهشگران قرار گرفته است. از آنجایی که دامنه نظرات و پژوهش های صورت گرفته درباره کوچک سازی دولت افزایش چشمگیری داشته، مطالعه نظام مند این ادبیات با دشواری هایی همراه شده است. همین امر استفاده از روش فراترکیب برای مطالعه دقیق، دسته بندی و ارائه سنتزی جدید از چنین مطالعاتی را ضروری می سازد. هدف اصلی مقاله کنونی ارزیابی آراء پژوهشگران ایرانی در خصوص اهداف، راهکارها و موانع کوچک سازی دولت در ایران و طبقه بندی نظام مند آنها با استفاده از روش فراترکیب به منظور ارائه سنتزی جدید از مطالعات قبلی است. فراترکیب انجام شده در این مطالعه از ۳۳ اثر پژوهشی بهره برده است. این تعداد اثر پژوهشی بر اساس شاخص های اعتبار علمی آثار، اعتبار ناشر، سابقه علمی و پژوهشی نگارنده و میزان ارجاع دهی به آثار از میان بالغ بر ۱۰۰ پژوهش منتشر شده مورد گزینش قرار گرفت. نتایج این فراترکیب نشان می دهد از نظر پژوهشگران ایرانی اهداف کوچک سازی دولت در ایران شامل کاهش اندازه دولت و فعالیتهای اقتصادی آن، افزایش کارایی و افزایش رقابت در حوزه اقتصاد است. درباره راهکارهای کوچک سازی نیز خصوصی سازی، مدیریت دولتی نوین و حکمرانی خوب مورد نظر پژوهشگران ایرانی قرار دارد. موانع کوچک سازی دولت نیز از نظر پژوهشگران ایرانی شامل رانتیریسیم، فرهنگ سیاسی ایرانیان، فقدان پیش نیازهای لازم برای اجرای سیاست کوچک سازی دولت و بروز تضاد طبقاتی در پی اجرای سیاست کوچک سازی دولت است. در نهایت نیز سنتز مقاله با بررسی الگوی مشارکت بخش عمومی - خصوصی (PPP) به عنوان راهکاری جدید برای کوچک سازی دولت و به مثابه جایگزین راهکارهای قدیمی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** کوچک سازی دولت، فراترکیب، کاهش اندازه دولت، خصوصی سازی، رانتیریسیم، مشارکت بخش عمومی - خصوصی.

## مقدمه

مکاتب اقتصادی مختلف نگاه متفاوتی به بحث اندازه دولت و میزان دخالت‌اش در حوزه اقتصاد و سیاست دارند. کوچک‌سازی دولت به عنوان راه حلی برای کاهش ناکارآمدی اقتصادی دولت، مدیریت عمومی کارآمد و افزایش مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و خدمات عمومی از دهه ۸۰ میلادی مد نظر برخی پژوهشگران و سیاستمداران قرار گرفته است. مهم‌ترین نقد در رویکرد کوچک‌سازی دولت به ناکارآمدی مداخله دولت در عرصه اقتصاد صورت می‌گیرد (White, 2010, p. 1). بر این اساس حضور گسترده دولت در عرصه اقتصاد با ایجاد انحصار برای شرکت‌ها و بازیگران دولتی موجب کاهش میزان رقابت و نوآوری در میان بنگاه‌های خصوصی می‌شود (Meissner, Sarpong & Vonortas, 2019, p. 121). ضرورت کوچک‌سازی دولت با وقوع رکود اقتصادی در دهه ۷۰ و بحران بدهی در میان کشورهای در حال توسعه نمودار شد. این کشورها برای ساماندهی اقتصادشان به دریافت کمک از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مبادرت کرده و سیاست‌های کاهش تصدی‌گری اقتصادی دولت را در دستور کار قرار دادند (مالجو، ۱۳۸۴، ص ۲۶). در این زمان ریشه مشکلات اقتصادی در حضور گسترده دولت در این عرصه ارزیابی شد (همان).

کوچک‌سازی دولت در ایران نیز دامنه متنوعی از نظرات پژوهشگران را به همراه داشته است. پژوهشگران ایرانی در مواجهه با مفهوم کوچک‌سازی دولت در ایران از روش‌های مختلفی برای ساماندهی پژوهش‌شان استفاده کرده‌اند. این امر دامنه وسیعی از پژوهش‌ها با رویکرد، روش ساماندهی، نمونه‌گیری، ترکیب داده‌ها و نتایج متفاوت را موجب شده است. تنوع مذکور در عمل آگاهی دقیق و نظام‌مند از نظرات مختلف درباره کوچک‌سازی دولت به منظور استفاده در پژوهش‌های تازه یا کاربردها برای حوزه سیاستگذاری (عملی) را دشوار می‌سازد. این امر استفاده از روش‌های پژوهشی جدید برای طبقه‌بندی نظام‌مند پژوهش‌های پیشین و ارائه سنتزی تازه را ضروری ساخته است. یکی از روش‌های مناسب برای دستیابی به این هدف، فراترکیب است. پژوهشگر در روش فراترکیب با مطالعه و مرور نظام‌مند پژوهش‌های مرتبط با یک موضوع نسبت به ارائه چشم انداز دقیق از پژوهش‌های مورد نظر و فراهم آوردن سنتزی تازه از آنها اقدام می‌کند.

بررسی پیشینه مطالعات و پژوهش‌ها درباره کوچک‌سازی دولت در ایران در این مقاله بر اساس شاخص‌های اهداف، راهکارها و موانع صورت گرفته است. پژوهشگران ایرانی در رابطه با اهداف کوچک‌سازی دولت در ایران اغلب بر روی کاهش اندازه دولت و فعالیت‌های اقتصادی آن، افزایش کارآیی نهاد دولت و افزایش رقابت در حوزه اقتصاد تاکید دارند (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۹۴؛ طیبی و دادفر، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶؛ عباسی و اکبری، ۱۳۹۵، ص ۲۵؛ کمیجانی و احمدوند، ۱۳۷۸، ص ۱۹-۲۰). در مورد راهکارهای کوچک‌سازی دولت نیز خصوصی‌سازی (آذر، لشگری و امرایی، ۱۳۹۰، ص ۱۰؛ قالیباف اصل و رنجبر درگاه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸؛ منوریان، ۱۳۸۰، ص ۴۷)، مدیریت دولتی نوین (الوانی، ۱۳۸۴، ص ۳؛ الوانی و مبصر، ۱۳۹۲، ص ۲۴)، حکمرانی خوب (الوانی و عزیزاده ثانی، ۱۳۸۶، ص ۲-۳؛ شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲، ص ۹۴-۹۷؛ عیوضی، مرزبان و صالحی، ۱۳۹۶، ص ۵۶-۵۸؛ قلی پور، ۱۳۸۳، ص ۸۶-۸۸) و آزادسازی اقتصادی (صامتی، شهنازی و شبانی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳) مد نظر پژوهشگران ایرانی قرار داشته است.

فرایند کوچک‌سازی دولت در اغلب تجربیات جهانی همراه با موانعی بوده است (Kim, 2017, p. 44). پژوهشگران ایرانی در بررسی موانع کوچک‌سازی دولت در ایران به موانع ساختاری و ساز و کار ناکارآمد (پوراحمدی، مختاریان پور و حسنفلی پور یاسوری، ۱۳۹۷، ص ۳۳۳؛ دانایی فرد و عباسی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ طیب‌نیا و محمدی، ۱۳۸۳، ص ۴)، مسئله رانت و دولت رانتیر (قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷، ص ۷۴؛ مومنی و حاجی نوروزی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۹) و موانع مرتبط با فرهنگ سیاسی (احمدی و ستاری، ۱۳۹۲، ص ۴۹؛ حشمت زاده، حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۶، ص ۱۹-۲۱) اشاره داشته اند.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال اصلی شکل گرفته است که سنتز آراء پژوهشگران ایرانی در خصوص اهداف، راهکارها و موانع در فرایند کوچک‌سازی دولت در ایران چیست؟

### چارچوب مفهومی

مرور، دسته‌بندی و سنتز آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت در ایران بدون بررسی مفهوم کوچک‌سازی دولت امکان پذیر نیست. این مفهوم در طول ۵۰ سال اخیر چه به عنوان نظریه و چه به عنوان سیاست مورد توجه پژوهشگران متعددی بوده و

حجم بالایی از پژوهش‌ها نیز درباره آن صورت گرفته است. در این بخش سیر شکل‌گیری و تحول کوچک‌سازی دولت به عنوان یک رویکرد مفهومی موضوع مروری اجمالی قرار گرفته است.

کوچک‌سازی دولت به عنوان یک نظریه در دهه ۸۰ میلادی و پس از شروع تب تعدیل ساختاری و استقبال از خصوصی‌سازی مطرح شد. این نظریه ابتدا در حوزه مدیریت و برای ساماندهی بحران‌های مالی و همچنین پیشگیری از کاهش درآمد کسب و کارها مورد توجه قرار گرفت (Halton, 2021). در این معنا کوچک‌سازی تلاشی برای کاهش هزینه‌ها از سوی بنگاه‌های اقتصادی به منظور برون رفت از شرایط بحران مالی بود. این امر اغلب اوقات با کاهش هزینه‌ها و همچنین تعدیل نیرو همراه است که در نهایت کاهش اندازه بنگاه‌های تجاری را به بار می‌آورد (Ray & Garth-James, 2016, p. 576; Maheshwari, 2017, p. 291).

موفقیت استراتژی کوچک‌سازی در حوزه مدیریت فقط به خاطر کاهش اندازه شرکت‌ها نبود. این اقدام در کنار فاکتورهایی نظیر تقویت کار تیمی در سازمان‌ها، تسهیل ارتباطات با فناوری‌های نوین و همچنین تقویت به اشتراک گذاری اطلاعات در میان اعضای شرکت‌ها نوعی فرهنگ جدید در حوزه مدیریت ایجاد کرد (Cameron, 1994, p. 210). به این ترتیب در مدت زمانی کوتاه این انگاره که سازمان‌های بزرگتر از نظر تعداد کارمندان همیشه بر سازمان‌های کوچکتر ارجحیت داشته و کارآمدی بالاتری دارند، مورد شک قرار گرفته و تا حد زیادی رد شد (ibid, p.189).

کوچک‌سازی که نخستین بار در حوزه مدیریت مورد توجه قرار گرفت، خیلی زود در عرصه سیاست نیز به کار گرفته شد. کوچک‌سازی دولت در این معنا اول از همه به کاهش اندازه دولت، به ویژه از نقطه نظر اقتصادی، اشاره دارد (Liou & Wang, 2019, p. 7). کوچک‌سازی دولت به عنوان یک نظریه شامل مجموعه‌ای از اقدامات که با هدف کاهش قابل ملاحظه هزینه‌های عمومی، تقویت بخش خصوصی و کاستن از اندازه دولت صورت می‌گیرد، است (Rama, 1999, pp. 12-13; Jones, 1998, pp. 4-5). برنامه‌های تعدیل ساختاری در شکل‌گیری کوچک‌سازی دولت به مثابه نظریه نقش مهمی ایفا کرده است. بدین معنا که اولین اقدام جدی برای کوچک ساختن دولت در دهه ۸۰



میلادی با اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری صورت گرفت. با این حساب کوچک‌سازی دولت از یکسو ریشه در برنامه‌های تعدیل ساختاری و از سوی دیگر تحولات حوزه مدیریت در دهه ۸۰ میلادی دارد.

اگرچه بروز بحران اقتصادی در ایالات متحده، بریتانیا و برخی دیگر از کشورهای در حال توسعه یکی از دلایل اصلی برای جهت‌گیری به سوی کوچک‌سازی دولت محسوب می‌شود، اما این امر تنها دلیل گرایش به سوی این راهکار اقتصادی-سیاسی نیست. کریس ادواردز (2005) در پژوهشی درباره کوچک‌سازی دولت فدرال در ایالات متحده به چهار دلیل اصلی برای جهت‌گیری به سوی این سیاست اشاره کرده است. این دلایل به طور مختصر در جدول (۱) نمایش داده شده‌اند.

از میان چهار دلیل ارائه شده در جدول (۱)، رعایت قانون اساسی و رسیدگی بهتر دولت به وظایف اصلی‌اش ماهیت سیاسی دارد. بر این اساس کوچک‌سازی دولت فقط یک اصلاح اقتصادی نیست و دارای وجه سیاسی نیز هست. دلایل سوم و چهارم نیز درباره کوچک‌سازی دولت به طور مشخص ریشه اقتصادی دارد. اگرچه پژوهش ادواردز به طور مشخص درباره دولت ایالات متحده است، اما دلایل معتبری برای کوچک‌سازی دولت در سایر کشورها نیز پیش روی قرار می‌دهد.

در سطح نظریه، کوچک‌سازی دولت پیوند نزدیکی با اقتصاد و فلسفه سیاسی لیبرالیسم پیدا می‌کند. کوچک‌سازی دولت در این چارچوب بر مسئله فقدان کارآیی دولت بزرگ در عرصه اقتصاد و سیاست تاکید دارد. فردریش هایک به عنوان یکی از تاثیرگذارترین اقتصاددان‌های لیبرال بر فقدان کارآیی دخالت دولت در اقتصاد و نظریه دولت رفاه اشاره دارد. بر اساس تحلیل هایک، دخالت دولت در اقتصاد موجب برهم خوردن نظم طبیعی بازار از طریق کاهش مشوق‌های فعالیت اقتصادی شده و مشکلاتی نظیر تورم و بیکاری را به همراه خواهد داشت (مولر، ۱۳۹۵، ص ۶۴۰). در این سطح کوچک‌سازی دولت به معنای کاهش میزان دخالت و نقش اقتصادی دولت است (Biersteker, 1990, p. 477). برخی از پژوهشگران به نظریه کوچک‌سازی دولت بُعد سیاسی نیز داده‌اند. بر این اساس کوچک‌سازی دولت به معنای کاهش سیاست‌گذاری از سوی دولت مرکزی از طریق

گسترش ابتکار دولت‌های محلی است ( Imrie & Raco, 1999, pp. 58- 59; Krueger & Bernick, 2009, pp. 714- 715).

جدول ۱؛ دلایل کوچک‌سازی دولت

دلایل	توضیحات
رعایت قانون اساسی	اختیارات دولت ایالات متحده در قانون اساسی محدود شده و از نظر اقتصادی جایگاه گسترده‌ای برای آن مشخص نیست. با این حال بحران اقتصادی دهه ۳۰ میلادی موجب دخالت دولت در قالب برنامه‌های اقتصادی شد که قدرت آن را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. کوچک‌سازی دولت، صرف نظر از ناکارایی‌های برنامه‌های رفاهی دولت، امکان بازگشت این نهاد بزرگ به حدود تعیین شده در قانون اساسی را فراهم می‌سازد ( Edwards, 2005, pp. 23-26).
رسیدگی بهتر دولت به وظایف اصلی‌اش	وظایف اصلی دولت ایالات متحده که در قانون اساسی نیز مشخص شده، با افزایش اختیارات اقتصادی دولت مورد بی توجهی قرار گرفته است. مهم‌ترین وظیفه دولت تامین امنیت است که بحران یازده سپتامبر ناکارایی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده در انجام وظایف شان را نشان داد. بنابراین عقب نشینی دولت از حضور گسترده در عرصه اقتصاد و افزایش بی حد و حصر اختیارات‌اش در عمل این نهاد را از وظایف اصلی‌اش، به طور مشخص در مورد ایالات متحده تامین امنیت، بازخواهد داشت (ibid, pp. 26-28).
تامین مالی برنامه‌های بازنشستگان و سالمندان	افزایش نرخ پیری جمعیت در کنار تعهدات کنگره ایالات متحده برای فراهم‌سازی شرایط بازنشستگی شهروندان نیازمند تامین مالی قابل ملاحظه‌ای است. اگر تغییر قابل ملاحظه‌ای در نوع فعالیت و هزینه‌های دولت ایالات متحده صورت نگیرد، تامین مالی این برنامه‌ها با مشکل اساسی رو به رو خواهد شد. با این حساب بدون کاهش سایر برنامه‌های رفاهی و کوچک‌سازی دولت امکان تامین مالی برنامه بازنشستگی شهروندان پذیر نخواهد بود (ibid, pp. 28-32).
کاهش بار مالی دولت بر عرصه اقتصاد	دولت ایالات متحده برای اجرای سیاست‌های رفاهی گسترده اش به طور میانگین سالانه ۲ تریلیون دلار (بر اساس سال پایه ۲۰۰۵) از شهروندان مالیات دریافت می‌کند. این مبلغ نه تنها بار مالیاتی سنگینی بر روی دوش خانواده‌ها محسوب می‌شود، بلکه در عمل انگیزه فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها را نیز به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. کوچک‌سازی دولت با کاهش بار مالی این نهاد در عرصه اقتصاد به بخش خصوصی امکان و انگیزه کافی برای فعالیت می‌دهد (ibid, pp. 32-36).

مفهوم کوچک‌سازی دولت به عنوان سیاست ریشه در تجربه انگلستان و ایالات متحده در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی دارد. سیاست کوچک‌سازی دولت بر پایه ارزیابی اندازه بیش از حد بزرگ دولت یا آهنگ رشد سریع آن مد نظر سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار می‌گیرد (Klein, 1997, p. 603). نخستین تجربه اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت در انگلستان و ایالات متحده با روی کار آمدن تاچر و ریگان صورت گرفت. هر دو این رهبران سیاسی با مسئله تورم بالا مواجه بودند (World Bank, 2019). اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت در انگلستان و ایالات متحده در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی با هدف کاهش بار مالی دولت و کمک به رشد اقتصادی صورت گرفت. بر این اساس سیاست کوچک‌سازی دولت به معنای کاهش هزینه‌های دولت و اندازه آن با هدف تقویت بخش خصوصی است (Jones, 1998, pp. 4-5).

### روش پژوهش

همانطور که در مقدمه مقاله بیان شد، هدف اصلی در این تحقیق ارزیابی آراء پژوهشگران ایرانی در خصوص اهداف، راهکارها و موانع در فرایند کوچک‌سازی دولت در ایران است. در این مسیر به دلیل تنوع پژوهش‌های صورت گرفته درباره کوچک‌سازی دولت در ایران از روش فراترکیب استفاده کرده‌ایم. پژوهشگران در طول دو دهه گذشته علاقه رو به رشدی نسبت به سنتز پژوهش‌های کیفی نشان داده‌اند. این امر از یک سواناشی از افزایش حجم پژوهش‌های کیفی انجام شده در رشته‌های مختلف و از سوی دیگر نیاز به طبقه‌بندی پژوهش‌های مورد نظر برای استفاده هرچه راحت‌تر دیگر پژوهشگران از نتایج آنهاست (Sandelowski & Barroso, 2006, p.1). به عبارت دقیق‌تر، حجم بالای پژوهش‌های کیفی مشکل تاثیر محدودشان بر روی حل مسائل اجتماعی از طریق به کارگیری در فرایند سیاست‌گذاری و پژوهش‌های جدید را به همراه داشته است (Finfgeld-Connett, 2010, p. 246). در این میان فراترکیب به عنوان یکی از روش‌های سنتز پژوهش‌های کیفی به منظور استفاده بهتر از نتایج آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع روش فراترکیب برای حل مشکل تاثیر پژوهش‌های کیفی بر روی حل مسائل اجتماعی مد نظر قرار گرفته است.

روش فراترکیب از دهه ۸۰ میلادی تا به حال تحول بسیار زیادی پیدا کرده است. یکی از نمودهای این تحول توسعه الگوهای این روش است. به عبارت ساده، پژوهشگران امروزه از الگوهای مختلفی برای اجرای روش فراترکیب بهره می‌برند. این الگوها با توجه به نوع پژوهش و هدف آن مشخص می‌شود. جدول ذیل الگوهای اصلی فراترکیب و هدف هر کدام را نشان می‌دهد (Finfgeld-Connett, 2018, pp. 3-5).

جدول ۲؛ الگوهای فراترکیب

الگو	هدف
فراترکیب مولد نظریه <sup>۱</sup>	ارائه نظریه ای جدید از پژوهش‌های اولیه کیفی
سنتز کیفی پژوهش <sup>۲</sup>	مرور نظام‌مند، دسته‌بندی و ترکیب پژوهش‌های اولیه کیفی و در صورت امکان سنتز آنها در قالب نظریه‌ای جدید
فرا مطالعه <sup>۳</sup>	تحلیل نظریه‌ها، روش‌ها و یافته‌های پژوهش‌های اولیه کیفی
فرا قوم‌نگاری <sup>۴</sup>	ترکیب نتایج پژوهش‌های اولیه دارای روش قوم‌نگاری برای ارائه تفسیر جامع از آنها
فرا خلاصه <sup>۵</sup>	خلاصه کردن و سنتز پژوهش‌های کیفی اولیه برای ارائه جمع‌بندی از آنها
سنتز انتقادی- تفسیری <sup>۶</sup>	نقد و تفسیر پژوهش‌های کیفی اولیه با هدف ارائه یک مفهوم‌بندی نظری جدید از آنها

با توجه به اینکه هدف اصلی مقاله کنونی ارزیابی آراء پژوهشگران ایرانی در خصوص اهداف، راهکارها، موانع و انتقادات در فرایند کوچک‌سازی دولت در ایران و طبقه‌بندی نظام‌مند آنها به منظور ارائه سنتزی جدید از مطالعات قبلی است، از میان ۶ الگوی مورد بررسی در جدول فوق فقط فراترکیب مولد نظریه، سنتز کیفی پژوهش و سنتز انتقادی-تفسیری با این پژوهش ارتباطی مفهومی می‌یابد.

لازم به ذکر است که این پژوهش صرفاً در پی ارائه نظریه ای جدید (فراترکیب مولد نظریه) یا نقد و تفسیر (سنتز انتقادی-تفسیری) از آراء پژوهشگران ایرانی درباره

- 
- 1 Theory- generating meta- synthesis
  - 2 Qualitative research synthesis
  - 3 Meta- study
  - 4 Meta- ethnography
  - 5 Meta- summary
  - 6 Critical interpretive synthesis

کوچک‌سازی دولت در ایران نیست، بلکه مرور نظام‌مند، دسته‌بندی و ترکیب آنها به منظور ارائه سنتزی جدید را مد نظر دارد. لذا سنتز کیفی پژوهش از میان‌الگوهای فوق‌بیشترین انطباق را با هدف و نیاز آن داراست.

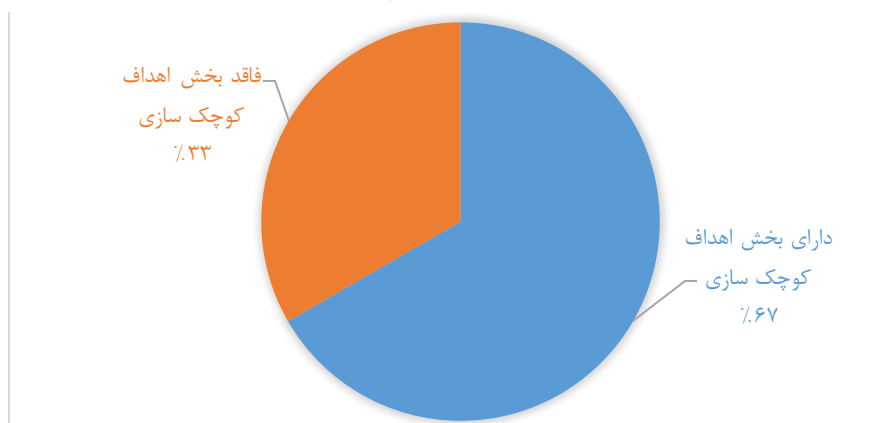
### یافته‌های پژوهش

#### اهداف کوچک‌سازی دولت در ایران از نظر پژوهشگران ایرانی

پژوهشگران ایرانی در بررسی اهداف کوچک‌سازی دولت به طور کلی به سه پاسخ اصلی اشاره کرده‌اند. این پاسخ‌ها شامل کاهش اندازه دولت و فعالیت‌های اقتصادی آن، افزایش کارآیی (اقتصادی) و در نهایت افزایش رقابت در حوزه اقتصاد بوده است. نکته مهمی که در این میان باید مد نظر داشت، عدم توجه برخی از پژوهشگران مورد بحث در این فراترکیب به اهداف سیاست کوچک‌سازی دولت در ایران است. به عبارت دقیق‌تر، برخی از پژوهشگران ایرانی بدون توجه به اهداف کوچک‌سازی دولت درباره جنبه‌های مختلف آن بحث کرده‌اند.

از میان ۳۳ اثر پژوهشی مورد استفاده در این بخش، ۱۱ پژوهشگر در آثارشان به اهداف سیاست کوچک‌سازی توجه نکرده و بحثی درباره آن نداشته‌اند. ترکیب و وضعیت میان پژوهش‌های دارای بخشی مشخص درباره اهداف کوچک‌سازی دولت و نمونه‌های فاقد آن در نمودار (۱) نشان داده شده است.

نمودار ۱. دسته‌بندی پژوهش‌ها



نکته دیگری که در این میان باید مد نظر قرار گیرد، اشاره اغلب پژوهشگران به بیش از یک هدف برای کوچک‌سازی دولت است. این نکته درباره تقریباً تمام پژوهش‌هایی که دارای بخش مشخص برای بیان اهداف کوچک‌سازی هستند، مصداق دارد. به همین خاطر امکان ارائه آمار کمی درباره دسته‌بندی پاسخ‌های پژوهشگران ایرانی درباره اهداف کوچک‌سازی دولت وجود ندارد. به همین دلیل نگارنده در جمع‌بندی این بخش آمار کمی مجزا درباره ترکیب پاسخ‌های پژوهشگران ایرانی به سوال مربوط به اهداف کوچک‌سازی دولت در ایران ارائه نکرده است. با این حال دسته‌بندی پژوهش‌ها در قالب جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳؛ اهداف کوچک‌سازی دولت از نظر پژوهشگران ایرانی

کاهش اندازه دولت و فعالیت‌های اقتصادی آن	افزایش کارایی (اقتصادی)	افزایش رقابت در حوزه اقتصاد	اهداف ترکیبی	فاقد تصریح
آذر و همکاران (۱۳۹۰)	دانا، عباسی (۱۳۸۷)	پژوهشگرانی که به افزایش رقابت در حوزه اقتصاد به عنوان هدف کوچک‌سازی دولت توجه نشان داده‌اند، همگی در کنار سایر اهداف به این گزینه اشاره کرده‌اند. به همین خاطر پژوهش‌های این ستون به طور مشترک در بخش اهداف ترکیبی قرار گرفته است.	احمدی و سناری (۱۳۹۲)، الوانی (۱۳۸۴)	حشمت زاده و همکاران (۱۳۹۶)
دانا، عباسی (۱۳۸۷)	طیبی و دادفر (۱۳۹۰)		دانا، عباسی (۱۳۸۵)، رزاقی (۱۳۷۶)	رنانی (۱۳۸۴)، رئیس دانا (۱۳۸۶)
شریف زاده و قلی‌پور (۱۳۸۲)	قنبری و سپانلو (۱۳۸۷)		طیب نیا و محمدی (۱۳۸۳)	صف‌شکن و مومنی (۱۳۹۵)
عباسی و اکبری (۱۳۹۵)	کردبچه و قائمی دیزجی (۱۳۹۴)		عظیمی و همکاران (۱۳۹۸)	عظیمی (۱۳۹۱)، غنی‌نژاد (۱۳۹۴)
کمبجانی و نظری (۱۳۸۸)	کمبجانی و احمدوند (۱۳۷۸)، منوریان (۱۳۸۰)		عیوضی و همکاران (۱۳۸۵)	کشاورز حداد و نجاتی محرمی (۱۳۸۵)
الوانی و مبصر (۱۳۹۲)	نیلی (۱۳۹۴)		مالجو (۱۳۸۱)	مالجو (۱۳۸۴)
			مومنی و حاجی نوروژی (۱۳۹۶)	مومنی (۱۳۹۹)، نیلی (۱۳۹۱)

## راهکارهای کوچک‌سازی دولت در ایران از نظر پژوهشگران ایرانی

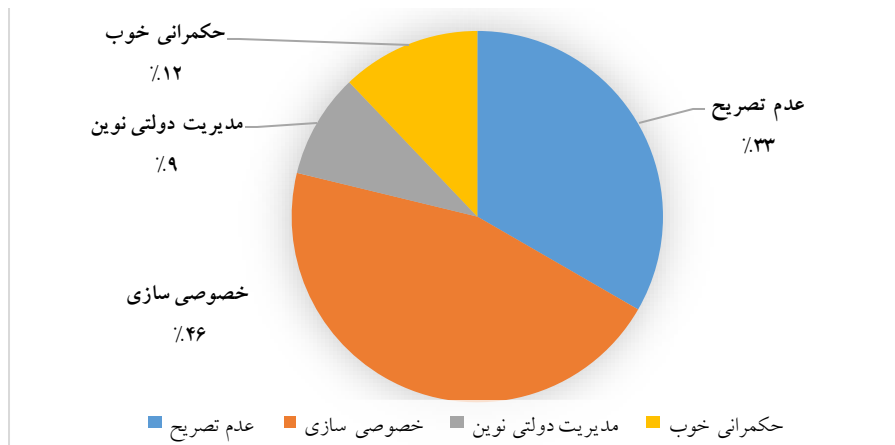
پژوهشگران ایرانی در بررسی کوچک‌سازی دولت در ایران با در نظر داشتن شرایط و ساختار سیاسی - اقتصادی سه راهکار عمده را مد نظر داشته‌اند که عبارتند از:

- خصوصی‌سازی
- مدیریت دولتی نوین
- حکمرانی خوب

نکته مهمی که در این میان باید بدان اشاره داشت، بی توجهی برخی از پژوهشگران مورد بحث در این فراترکیب نسبت به راهکارهای کوچک‌سازی دولت است. به عبارت دقیق‌تر، این دسته از پژوهشگران بدون تمرکز بر روی راهکارهای کوچک‌سازی دولت در ایران به وجوه دیگر آن پرداخته‌اند. اگرچه تعداد این پژوهش‌ها اندک است و در بخش پایانی همین فصل در قالب نمودار بیان می‌گردد، اما در اشاره به آن در ابتدای بحث ضروری به نظر می‌رسید.

از میان ۳۳ اثر پژوهشی مرتبط، ۱۱ پژوهشگر در آثارشان به راهکارهای سیاست کوچک‌سازی توجه نکرده و بحثی درباره آن نداشته‌اند. از میان سایر پژوهشگران ۱۵ پژوهش به خصوصی‌سازی به مثابه راهکار کوچک‌سازی دولت اشاره داشته‌اند. همچنین ۳ پژوهش به مسئله مدیریت دولتی نوین و ۴ پژوهش نیز به حکمرانی خوب به مثابه راهکاری برای کوچک‌سازی دولت پرداخته‌اند.

نمودار ۲. دسته‌بندی پژوهش‌ها



جدول ۴: راهکارهای کوچک‌سازی دولت از نظر پژوهشگران ایرانی

فراقد تصریح	حکمرانی خوب	مدیریت دولتی نوین	خصوصی‌سازی
			آذرو همکاران (۱۳۹۰).
			احمدی و ستاری (۱۳۹۲).
رنانی (۱۳۸۴)،			بهکیش (۱۳۹۵)،
رئیس دانا (۱۳۸۶)،			دانایی فرد و عباسی (۱۳۸۷)،
صف شکن و مومنی (۱۳۹۵)،			رزاقی (۱۳۷۶)،
طیبی و دادفر (۱۳۹۰)،	حشمت زاده و همکاران (۱۳۹۶)،	الوانی (۱۳۸۴)،	طیبی نیا و محمدی (۱۳۸۳)،
عظیمی (۱۳۹۱)،	شریف زاده و قلی پور (۱۳۸۲)،	الوانی و مبصر (۱۳۹۲)،	عباسی و اکبری (۱۳۹۵)،
غنی نژاد (۱۳۹۴)،	عیوضی و همکاران (۱۳۹۶)،	الوانی (۱۳۹۲)،	عظیمی و همکاران (۱۳۹۸)،
_____ (۱۳۹۵)،	مومنی (۱۳۹۹)	دانایی فرد و الوانی (۱۳۸۵)	قنبری و سپانلو (۱۳۸۷)،
کشاوری حداد و نجاحتی محرمی (۱۳۸۵)،			کردبچه و دیزچی (۱۳۹۴)،
کمیجانی و نظری (۱۳۸۸)،			کمیجانی و احمدوند (۱۳۷۸)،
مالجو (۱۳۸۴)،			مالجو (۱۳۸۱)،
نیلی (۱۳۹۱)			منوریان (۱۳۸۰)،
			مومنی و حاجی نوروزی (۱۳۹۶)،
			نیلی (۱۳۹۴)



### موانع کوچک‌سازی دولت در ایران از نظر پژوهشگران ایرانی

پژوهشگران ایرانی در بررسی کوچک‌سازی دولت در ایران با در نظر داشتن شرایط و ساختار سیاسی-اقتصادی چهار مانع عمده را بر سر راه کوچک‌سازی دولت مد نظر داشته‌اند که عبارتند از:

- رانتریسم (دولت رانتر)
- فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران
- فقدان پیش‌نیازهای لازم برای اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت
- بروز تضاد طبقاتی در پی اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت

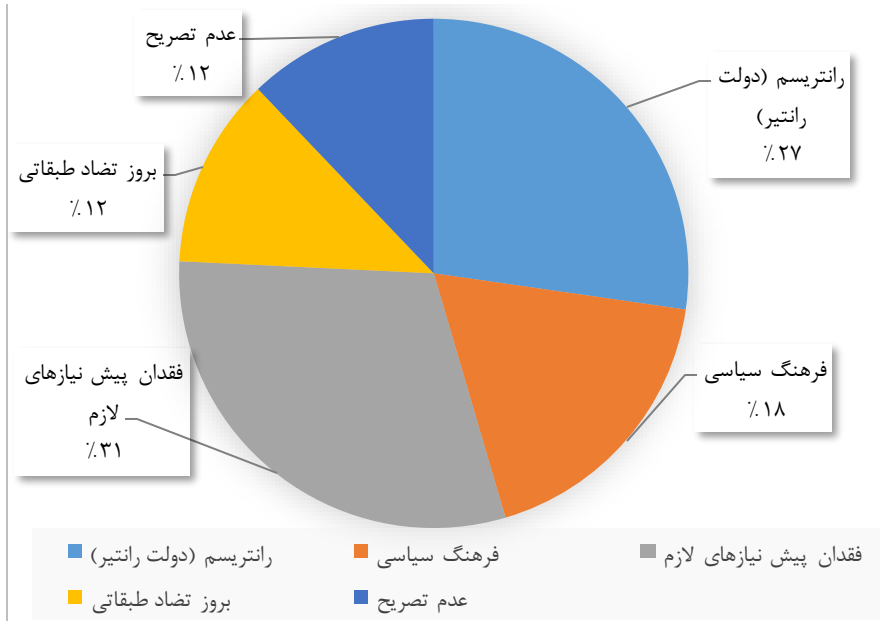
از میان موانع فوق‌مورد آخر، بروز تضاد طبقاتی، علاوه بر اینکه تجربه منفی کوچک‌سازی دولت در برخی از کشورها را در خود دارد، به نوعی انتقاد از این سیاست نیز محسوب می‌شود. اگرچه این مورد نیز در ادامه بخش کنونی به تفصیل توضیح داده خواهد شد، اما نگارنده تأکید بر سویه‌های انتقادی این مورد را در اینجا ضروری می‌داند. با این حساب در سه مورد نخست صرفاً موانع پیش‌روی کوچک‌سازی دولت مد نظر قرار گرفته است، اما در مورد آخر پژوهشگران با بهره‌گیری از رهیافت رادیکال و ترکیب استدلال‌های نظری و تجربه دیگر کشورها در زمینه کوچک‌سازی دولت به انتقاد ضمنی از این سیاست نیز پرداخته‌اند.

از میان ۳۳ اثر پژوهشی مورد استفاده در این فصل درباره موانع کوچک‌سازی دولت در ایران، ۹ پژوهش به مسئله رانتریسم (دولت رانتر)، ۶ پژوهش به فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران، ۱۰ پژوهش به فقدان پیش‌نیازهای لازم برای اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت و در نهایت ۴ پژوهش هم به بروز تضاد طبقاتی در پی اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت اشاره داشته‌اند. این ترکیب در نمودار ذیل بیان شده است.

علاوه بر نمودار (۳)، دسته‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی در قالب جدول ۵ به تفکیک

هر پژوهش ارائه شده است:

نمودار ۳. دسته‌بندی پژوهش‌ها



جدول ۵: موانع کوچک‌سازی دولت از نظر پژوهشگران ایرانی

فقدان تصریح	بروز تضاد طبقاتی در بی‌اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت	فقدان پیش‌نیازهای لازم برای اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت	فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران	رانتریسم (دولت رانتیر)
الوانی و مبصر (۱۳۹۲)، الوانی (۱۳۸۵)، عظیمی (۱۳۹۱)، همکاران (۱۳۹۸)	مالجو (۱۳۸۱)، _____ (۱۳۸۴)، کشاوری حداد و نجاتی محرمی (۱۳۸۵)، کمیجانی و نظری (۱۳۸۸)	آذر و همکاران (۱۳۹۰)، الوانی (۱۳۸۴)، بهکیش (۱۳۹۵)، دانایی فرد و عباسی (۱۳۸۷)، طیب‌نیا و محمدی (۱۳۸۳)	احمدی و ستاری (۱۳۹۲)، حشمت‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، رئیس‌دانا (۱۳۸۶)	رزاقی (۱۳۷۶)، رنانی (۱۳۸۴)، صف‌شکن و مومنی (۱۳۹۵)، غنی‌نژاد (۱۳۹۵)، قنبری و سپانلو (۱۳۸۷)، مومنی (۱۳۹۹)

فانقد تصریح	بروز تضاد طبقاتی در پی اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت	فقدان پیش‌نیازهای لازم برای اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت	فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران	رانتریسیم (دولت رانتری)
		عباسی و اکبری (۱۳۹۵)،		
		عیوضی و همکاران (۱۳۹۶)،	شریف زاده و قلی پور (۱۳۸۲)،	مومنی و حاجی نوروزی (۱۳۹۶)،
		غنی‌نژاد (۱۳۹۴)،	طیبی و دادفر (۱۳۹۰)،	نیلی (۱۳۹۱)،
		کردبچه و قائمی دیزجی (۱۳۹۴)،	منوریان (۱۳۸۰)	_____ (۱۳۹۴)
		کمیحانی و احمدوند (۱۳۷۸)		

### سنتز یافته‌ها

این مقاله تلاشی برای فراترکیب آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت در ایران بود. در همین راستا ابتدا در فصل نخست تعریفی از کوچک‌سازی دولت به مثابه نظریه ارائه گردید و سپس کوچک‌سازی دولت به عنوان یک سیاست نیز تعریف شد. در مرحله بعد شاخص‌هایی کاربردی برای ارزیابی و دسته‌بندی مطالعات صورت گرفته از سوی پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت در ایران مد نظر قرار گرفت. این شاخص‌ها که سوالات فرعی مقاله حاضر را شکل دادند، عبارتند از اهداف، راهکارها و موانع مطرح شده درباره فرایند کوچک‌سازی دولت در ایران از منظر پژوهشگران ایرانی. فراترکیب صورت گرفته از آراء پژوهشگران ایرانی به طور خلاصه در جدول ذیل نمایش داده شده است.

جدول ۷؛ چکیده فراترکیب صورت گرفته از آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت

آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت از نمای مکاتب اقتصاد سیاسی	اهداف کوچک‌سازی دولت از نظر پژوهشگران ایرانی	راهکارهای کوچک‌سازی دولت از نظر پژوهشگران ایرانی	موانع کوچک‌سازی دولت از نظر پژوهشگران ایرانی
رهیافت لیبرالیسم کلاسیک	کاهش اندازه دولت و فعالیت‌های اقتصادی آن	خصوصی‌سازی	رانتیرسم (دولت رانتیر)
رهیافت لیبرال مدرن	افزایش کارآیی (اقتصادی)	مدیریت دولتی نوین	فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران
رهیافت رادیکال	افزایش رقابت در حوزه اقتصاد	حکمرانی خوب	فقدان پیش‌نیازهای لازم برای اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت
			بروز تضاد طبقاتی در پی اجرای سیاست کوچک‌سازی دولت

ظهور ایده کوچک‌سازی دولت در اواخر دهه ۷۰ میلادی تحت تاثیر آراء و نظرات پژوهشگران مختلفی بود. از یکسو تلاش‌های لودویگ فون میزس در توضیح لیبرالیسم کلاسیک در عرصه اقتصاد و سیاست ایده‌های سنتی درباره دولت رفاه را نشانه گرفت. از طرف دیگر نیز مکتب شیکاگو با استدلال در حمایت از نظم بازار موجب تضعیف ایده‌های سوسیالیستی مربوط به حوزه اقتصاد و به طور مشخص اقتصاد کینزی شد. نقش اقتصاددان‌های طرفدار نظریه انتخاب عمومی در نمایش مشکلات دولت به عنوان یک نهاد بزرگ در ساماندهی عرصه اقتصاد و سیاست نیز در ظهور ایده کوچک‌سازی دولت دارای اهمیت است (Eshelman, 2020). در نهایت نیز نظریه نظم خودجوش<sup>۱</sup> از سوی هایک موجب افزایش توجه به ضرورت کاهش اندازه دولت و نقش اقتصادی آن شد. در نظریه نظم خودجوش استدلال اصلی هایک بازخورد بهتر در بازار در صورت عدم برنامه‌ریزی مرکزی از سوی دولت یا هر نهاد دیگری است. به این ترتیب بازار نتیجه مستقیم طراحی

1 Spontaneous Order

انسان نیست و در صورتی که به حال خود رها شود، نتایج بهتری در مقایسه با وضعیت برنامه ریزی مرکزی به همراه خواهد داشت (Luban, 2019, p. 1).

مکاتب و اقتصاددان‌های فوق در شکل‌گیری ایده دولت حداقلی و در پی آن کوچک‌سازی دولت، چه به مثابه نظریه و چه به مثابه سیاست، نقش اساسی داشته‌اند. با این حال نظرات آنها عاری از انتقاد نیست. نخستین انتقادی که به فرایند کوچک‌سازی دولت وارد شد، مربوط به بحث تامین خدمات عمومی بود. در دوران رواج ایده دولت رفاه، نهاد دولت تامین بخش قابل ملاحظه‌ای از خدمات عمومی را بر عهده گرفت. با این حال در دهه ۸۰ میلادی در پی تلاش برای کوچک‌سازی دولت بحث واگذاری تامین خدمات عمومی به بخش خصوصی مطرح گشت (Furner, 1996, pp. 1-2). نکته انتقادی در این میان مربوط به هزینه‌های تامین خدمات عمومی برای شهروندان است. استدلال طرفدارهای ایده کوچک‌سازی دولت کاهش بار مالی نهاد دولت و امکان تامین خدمات عمومی از سوی بخش خصوصی با کیفیت و هزینه کمتر است. با این حال از زاویه دید شهروندان هزینه تامین خدماتی که تا پیش از این دولت به طور رایگان یا با قیمتی بسیار ارزان عرضه می‌کرد، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند (Flecker, 2009, p. 75).

در حالی که کوچک‌سازی دولت بار مالی دولت را به عنوان نهادی بزرگ کاهش می‌دهد، هزینه‌های شهروندان برای تامین خدمات عمومی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. به علاوه، امنیت شغلی کارکنان بخش خدمات عمومی نیز دستخوش تغییر می‌گردد. تجربه کوچک‌سازی دولت در ایالات متحده آمریکا در طول دهه ۸۰ میلادی بیانگر تعدیل نیروی گسترده در بخش خدمات عمومی پس از واگذاری به بخش خصوصی است. این امر به طور طبیعی میزان نارضایتی کارکنان بخش‌های مورد نظر را افزایش داده و نرخ بیکاری را بالا می‌برد (Goodman & Loveman, 1991). از این منظر کوچک‌سازی دولت به همان اندازه که بار مالی دولت را کم می‌کند، بار مالی شهروندان یا به عبارت دقیق‌تر هزینه پرداختی از سوی دریافت کنندگان خدمات عمومی را افزایش خواهد داد.

در مورد کوچک‌سازی دولت در ایران، صرف نظر از انتقادهای برشمرده در بالا، باید وضعیت خاص این نهاد در کشورمان را نیز مد نظر قرار دهیم. دسترسی گسترده به منابع طبیعی، به طور مشخص نفت، دولت ایران را بدل به یک دولت رانتیر کرده است (Shambayati, 1994, p. 307). این نکته نه تنها آنطور که در بخش قبل مورد بررسی قرار گرفت، یک مانع مهم در راستای کوچک‌سازی دولت است، بلکه وضعیت متفاوتی برای نهاد دولت در ایران در مقایسه با کشورهایی مانند بریتانیا و ایالات متحده ایجاد می‌کند. اگرچه دولت‌های رانتیر نفتی از دهه‌ها قبل برنامه‌های توسعه اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت را شروع کرده‌اند، اما هنوز هم درآمد حاصل از صادرات، اغلب دولتی، این منبع طبیعی بخش اصلی بودجه چنین کشورهایی را شکل می‌دهد (Miniaoui, 2020, p. 192). وضعیت دولت در ایران نیز به همین شکل است. بر این اساس توانایی دولت ایران برای تامین خدمات عمومی و عمل به سایر وظایف‌اش ارتباط مستقیم با درآمدهای نفتی دارد (Eltejaei, 2015, p. 217).

نکته‌ای که در این میان باید بدان توجه داشت، امکان‌پذیری واگذاری صنعت نفت به بخش خصوصی است. به عبارت دقیق‌تر، آیا واگذاری صنعت نفت، به عنوان سازمان متولی بهره‌برداری از منابع طبیعی نفتی، امکان‌پذیر است؟ صرف نظر از استدلال‌های اقتصادی یا هنجاری، مسئله خصوصی‌سازی صنعت نفت در ایران از نظر قانونی با مانع مواجه است. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که فرایند خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت در طول بیش از یک دهه اخیر بر مبنای آن صورت گرفته است، به طور مشخص به هنگام بحث از واگذاری صنایع مادر و معادن بزرگ، صنعت نفت و گاز مستثنی شده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب در فرایند کوچک‌سازی دولت در ایران عملاً مهم‌ترین بخش صنعتی مورد چشم‌پوشی قرار گرفته است.

انتقادی که در این میان به واگذاری منابع طبیعی در کشورهای دارای رانت طبیعی وارد می‌شود، بحث مالکیت عمومی این منابع است. به عبارت دقیق‌تر، از آنجایی که رانت به منابع درآمدی اشاره دارد که بدون هیچ تلاش تولیدی به دست می‌آید و از همه مهم‌تر

۱ برای مشاهده متن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه فرمایید:

در مورد ایران جزو منابع طبیعی است، مالکیت آن نیز به تمام اعضای جامعه تعلق دارد. با این حساب واگذاری صنایع مرتبط با رانت در کشورهای رانتیر فقط در مورد بهره‌برداری از آن امکان پذیر است. نکته مهم اینکه در اغلب کشورهای رانتیر نفتی حتی امتیاز بهره‌برداری از نفت نیز جزو انحصارات دولتی محسوب گشته و نهاد دولت به نمایندگی از جامعه حق بهره‌برداری از رانت مورد نظر را عهده‌دار می‌شود (Losman, 2010, pp. 427-428). نتیجه امر اینکه در کشورهای رانتیر انتقال منابع یا دارایی‌های عمومی به بخش خصوصی به دلیل اهمیت موضوع مالکیت عمومی بر منابع مورد نظر کمتر در دستور کار قرار می‌گیرد.

در پرتو این چشم‌انداز واگذاری منابع عمومی به بخش خصوصی بیشتر از اینکه در راستای افزایش کیفیت تامین خدمات عمومی و بهره‌برداری بهینه از منابع عمومی باشد، به نوعی واگذاری رانت متعلق به عموم جامعه به گروهی خاص یا فرادست است. به ویژه آنکه در مورد دولت ایران مسئولیت‌های گسترده‌ای نظیر آموزش و پرورش رایگان، پی‌ریزی اقتصاد عادلانه، ایجاد رفاه و کاهش فقر در قانون اساسی برای این نهاد مشخص شده است (حیب نژاد و سلمانی سینی، ۱۳۹۹، ص ۶۷).

کوچک‌سازی دولت در قالب واگذاری تامین خدمات عمومی به بخش خصوصی و انتقال دارایی‌های عمومی به بخش خصوصی مسئله رقابت میان گروه‌های ذینفع برای کسب رانت بیشتر را نیز به همراه دارد (Spindler, 1990, p. 89). چنین پدیده‌ای به رقابت میان گروه‌های مختلف، اعم از دولتی و غیر دولتی، بر سر بهره‌برداری از رانت طبیعی و تبدیل اموال عمومی به اموال خصوصی برای کسب سود بیشتر می‌انجامد (Glade, 1989, p. 673). نکته مهم اینکه در این شرایط پاسخگویی عمومی دولت در برابر بهره‌برداری از رانت طبیعی متعلق به کل جامعه از بین رفته و این منابع در اختیار بخش خصوصی با کمترین پاسخگویی یا فقدان پاسخگویی به طور کل قرار می‌گیرد. این نکته به طور طبیعی در ایران با دسترسی گسترده به رانت منابع نفتی و سایر منابع طبیعی قابل توجه است. حضور پررنگ نهادهای عمومی در جریان واگذاری موسسات و اموال دولتی در فرایند کوچک‌سازی دولت و همچنین عدم شفافیت درباره هویت حقیقی و حقوقی برخی از برندگان واگذاری‌ها در جریان کوچک‌سازی دولت ادعای فوق را تایید می‌کند

(عباسی و اکبری، ۱۳۹۵، ص ۲۳). به این ترتیب کوچک‌سازی دولت به نوعی توزیع رانت در میان نهادهای عمومی یا بخش شبه خصوصی با هویت نامشخص منتهی می‌شود. راهکار پیشنهادی در این پژوهش تمرکز بر روی مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهاد دولت در برابر جامعه از یکسو و عملکرد اقتصادی مبتنی بر بازار بخش خصوصی است. ترکیب این دو عامل در فرایند شراکت عمومی - خصوصی<sup>۱</sup> به چشم می‌خورد. شراکت عمومی - خصوصی به فرایند کلی همکاری میان دولت با بخش خصوصی برای تامین خدمات عمومی، زیرساخت‌ها و به طور کلی هر نوع فعالیت اقتصادی دیگری که در چارچوب عملکرد نهاد دولت قرار می‌گیرد، اشاره دارد (Mouraviev & Kakabadse, 2016, p. 2). این همکاری در حوزه‌های مالی، ساخت و ساز و پروژه‌های عمرانی صورت می‌گیرد. به این ترتیب دولت‌ها با استفاده از همکاری بخش خصوصی امکان پیشبرد پروژه‌ها بر مدار منطق بازار یا به عبارت بهتر سود محور را پیدا می‌کنند (Vecchi et al., 2021, pp. 3-4). البته هدف اصلی در این میان کسب سود از فعالیت مورد نظر نیست، بلکه نهاد دولت این همکاری را به منظور افزایش کیفیت نهایی پروژه و همچنین کاهش هزینه‌های تکمیل آن انجام می‌دهد. از سوی دیگر بخش خصوصی نیز در چنین پروژه‌هایی امکان بهره‌مندی از برخی مشوق‌های دولتی نظیر معافیت مالیاتی را خواهد داشت (Brock, 2022).

استفاده از الگوی مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه تامین مالی پروژه‌ها و فعالیت‌های دولتی در بیشتر موارد مربوط به کسری بودجه نهادهای عمومی است. به عنوان مثال، در بخش صنعت نفت در صورتی که نهاد دولت بودجه لازم برای کشف میدان‌های نفتی جدید یا بهره‌برداری از آنها را نداشته باشد، امکان مشارکت با بخش خصوصی برای تامین مالی این پروژه وجود دارد. در برخی از موارد حتی فرایند اجرای پروژه نیز به بخش خصوصی واگذار می‌گردد. البته در این میان دولت حق نظارت بر اجرای پروژه را حفظ می‌کند (World Bank, 2017, pp. 4-5). همین امر امکان پاسخگویی دولت در برابر جامعه نسبت به پروژه مورد نظر را فراهم می‌سازد. چنین همکاری موجب بهره‌مندی از توان برنامه‌ریزی بخش عمومی و در عین حال توان تکنیکی و مزیت بخش خصوصی در

---

1 Public- Private Partnership (PPP)



زمینه فناوری برای پیشبرد هرچه سریع‌تر و همراه با کیفیت بالاتر پروژه‌ها می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر، برنامه‌ریزان دولتی با استفاده از دیدگاه بازار محور و واقع‌گرایانه بخش خصوصی فرصت تکمیل پروژه‌ها و برنامه‌ها با ریسک و هزینه کمتر پیدا می‌کنند (World Bank, 2022).

اگرچه مشارکت عمومی - خصوصی در بسیاری از موارد به دلیل کسری بودجه بخش عمومی روی می‌دهد، اما در نمونه‌های متاخر به روند نوآوری با تامین سرمایه دولتی نیز اشاره دارد. این امر شامل فرایند تحقیق و توسعه می‌شود. در این میان تامین سرمایه مورد نیاز برای فرایند مورد نظر با بخش عمومی بوده و در عوض از توانمندی‌های فنی و دانش بخش خصوصی استفاده می‌شود (Link, 2006, p. 1). در الگوی متاخر مشارکت عمومی - خصوصی ترکیب سرمایه دولتی و ابتکار عمل بخش خصوصی در کانون توجه قرار می‌گیرد. چنین همکاری‌هایی به دلیل اینکه در ارتباط با ایجاد یا توسعه زیرساخت‌ها قرار دارد، نیازمند تنظیم ساختاری مشخص است. ساختار مورد نظر در قالب قرارداد میان بخش عمومی و خصوصی تعیین می‌گردد. در این رابطه باید به چند محور توجه داشت. این محورها در مطالعه‌ای از سوی فارکوهارسون و همکاران زیر نظر مرکز مطالعاتی بانک جهانی مطرح گشته که در جدول (۷) قابل مشاهده است (Farquharson et al., 2011, pp. 15-23).

نمونه موفق مشارکت میان بخش عمومی و خصوصی بر اساس الگوی مورد بحث در کشور نروژ به چشم می‌خورد. این کشور در طول دو دهه اخیر به جای تامین دولتی خدمات عمومی به سوی جلب مشارکت بخش خصوصی حرکت کرده است (Christensen et al., 2013, p. 439). بر این اساس اگرچه حق نظارت بر روی تامین خدمات همچنان با دولت نروژ است، اما مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی در نظر گرفته شده است. نکته مهم اینکه این روند مشارکت در طول دو دهه اخیر به تدریج از پروژه‌های سطح خرد و کوچک به پروژه‌های زیربنایی رسیده است. در این وضعیت دولت نروژ به جای تامین سرمایه از سوی بخش خصوصی به دنبال دانش، تخصص و تجربه این بخش

در پیشبرد بهتر پروژه‌های زیربنایی است (Solheim-Kile et al., 2014, p. 242). این الگو مشارکت بخش عمومی - خصوصی در نروژ را بدل به نمونه‌ای موفق کرده است.

جدول ۸: ساختار قرارداد مشارکت عمومی - خصوصی

توضیحات	ساختار قرارداد مشارکت عمومی - خصوصی (PPP)
مشخص‌سازی چارچوب همکاری میان بخش عمومی و خصوصی، تهیه راهنمای همکاری از سوی بخش دولتی و تعیین اهداف یا چشم‌انداز همکاری و در نهایت چارچوب حل اختلاف میان بخش عمومی و خصوصی.	ساختار سیاست‌گذاری
ایجاد بسترهای قانونی مورد نیاز برای اجرای مشارکت عمومی - خصوصی به طوری که در تعارض با قانون مصوب کشور قرار نگیرد.	ساختار حقوقی - قانونی
تعیین شاخص‌ها و ساز و کار انتخاب پروژه‌ها برای اختصاص به فرایند مشارکت عمومی - خصوصی.	ساختار شناسایی و انتخاب پروژه‌ها
نظارت بر اجرای پروژه‌ها در قالب مشارکت عمومی - خصوصی از سوی بخش دولتی.	نظارت بر اجرا

تغییر جهت‌گیری دولت نروژ از پیگیری تامین انحصاری خدمات عمومی در قالب دولت رفاه تا اوایل دهه ۹۰ میلادی به مشارکت با بخش خصوصی الگویی موفق برای حل مشکل حضور گسترده دولت در عرصه اقتصاد از یکسو و انتقادات از فقدان حضور نسبی این نهاد در عرصه اقتصاد که پیش از این در همین فصل مورد بررسی قرار گرفت، فراهم می‌سازد (Grindheim & Selle, 1990, p. 62). این الگو در کشور ایران نیز با سهم بالای بخش دولتی در مقایسه با بخش تعاونی و خصوصی در عرصه اقتصاد قابل اجراست (Esposito & Ramazani, 2001, p. 94). از آنجایی که در ایران مالکیت صنایع مادر، به ویژه صنعت نفت، و تامین خدمات عمومی در مقیاس وسیع با دولت است، استفاده از الگوی مشارکت بخش عمومی - خصوصی امکان بهره‌مندی از دانش و تخصص بخش خصوصی را فراهم کرده و از سوی دیگر مسئله مالکیت عمومی منابع طبیعی یا همان رانت در دسترس را حل خواهد کرد. به بیان دقیق‌تر، در الگوی مشارکت بخش عمومی -

خصوصی، دولت به جای کوچک‌سازی از طریق واگذاری کامل یک بنگاه تجاری اقدام به مشارکت با بخش خصوصی کرده و مالکیت بنگاه و صنعت مورد نظر نیز همچنان برای بخش دولتی حفظ می‌شود.

همانطور که پیش از این در همین بخش اشاره شد، واگذاری یا خصوصی‌سازی در بخش صنعت نفت و گاز در ایران از نظر قانونی با مشکل رو به رو است. این نکته درباره مهم‌ترین رانت طبیعی در کشور ایران که نقش مهمی در افزایش حضور و فعالیت این نهاد در عرصه اقتصاد داشته، قابل تأمل است. بنابراین کوچک‌سازی دولت از طریق راهکارهای مورد بررسی در این فراترکیب، شامل خصوصی‌سازی، مدیریت دولتی نوین و حکمرانی خوب، با مشکلات و موانع حقوقی- قانونی رو به رو خواهد بود. مشارکت بخش عمومی- خصوصی علاوه بر اینکه مشکلات فوق را حل خواهد کرد، امکان نظارت مداوم دولت بر عملکرد بخش خصوصی را فراهم می‌سازد. نکته مهم اینکه مشارکت بخش عمومی- خصوصی در پیشبرد پروژه‌ها و تأمین خدمات عمومی در ساختار حقوقی- قانونی ایران مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.<sup>۱</sup> با این حساب مشکلی از نظر اجرای این الگو در کشور ایران وجود ندارد.

این مقاله تلاشی برای فراترکیب آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت در ایران بود. استفاده از تجربه و دانش بخش خصوصی در اقتصاد ایران، چه در قالب کوچک‌سازی و چه به طور کلی، با توجه به شرایط ویژه دسترسی به رانت طبیعی وضعیت متفاوتی در مقایسه با تجربه الگوهای اولیه روند کوچک‌سازی دولت، یعنی انگلستان و ایالات متحده، دارد. سنتز صورت گرفته در این مقاله استفاده از الگوی مشارکت بخش عمومی- خصوصی را مطرح می‌سازد. به این ترتیب تعادلی میان استفاده از دانش، تخصص و به عبارت دقیق‌تر عملکرد مبتنی بر بازار بخش خصوصی با مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهاد دولت در برابر جامعه ایجاد می‌گردد. نتیجه اینکه هم امکان کاهش بار اقتصادی نهاد

---

۱ برای مشاهده قوانین و آیین‌نامه‌ها در این زمینه به پرتال ملی مشارکت عمومی- خصوصی به آدرس ذیل مراجعه نماید:

دولت فراهم شده و هم رانت طبیعی متعلق به تمام اعضای جامعه در قالب اموال عمومی به اموال خصوصی تبدیل نخواهد شد.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### ORCID

Gholamreza Haddad  <https://orcid.org/0000-0003-1944-2223>

Ali Aleali  <https://orcid.org/0000-0003-0917-8609>

### منابع

احمدی، حمید و ستاری، سجاد. (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی در ایران: رویکردهای موجود، رهیافت‌های جدید. فصلنامه سیاست. دوره ۴۳. شماره ۲. صفحات ۴۹-۶۸.

آذر، عادل، لشگری، زهرا، و امرایی، حافظ. (۱۳۹۰). عملکرد، چالش‌ها و راهکارهای خصوصی سازی در ایران. فصلنامه علوم اقتصادی. سال پنجم. شماره ۱۶. صفحات ۹-۲۵  
الوانی، سید مهدی و مبصر، داریوش. (۱۳۹۲). بررسی آثار راهبردهای مدیریت دولتی نوین بر سازمان های دولتی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی. سال سوم. شماره ۱۲. صفحات ۲۳-۴۸.

الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۴). تنگناهای مدیریت دولتی نوین. پیک نور. دوره سوم. شماره سوم. صفحات ۳ تا ۱۱.

بهکیش، محمد مهدی (۱۳۹۵). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. نشر نی.  
حبیب نژاد، سید احمد و سلمانی سینی، مرضیه. (۱۳۹۹). نسبت سنجی نظریه دولت رفاه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فقرزدایی. فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره پنجم.

حشمت‌زاده، محمدباقر، حاجی یوسفی، امیرمحمد، و طالبی، محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران. جستارهای سیاسی معاصر. سال هشتم. شماره اول. صفحات ۱-۲۴.

دانایی فرد، حسن و الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۵). استراتژی تحول در بخش دولتی ایران. دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد. سال سیزدهم. دوره جدید، شماره ۱۷. صفحات ۹۷-۱۲۰.

دانایی فرد، حسن و عباسی، طیبه. (۱۳۸۷). اصلاحات اداری در ایران: تحلیلی بر کوچک سازی دولت. دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد. سال پانزدهم. شماره ۲۹. صفحات ۱۰۲-۱۲۱.

رزاقی، ابراهیم. (۱۳۷۶). اثر خصوصی سازی بر امنیت و ثبات اجتماعی ایران. نشریه اطلاعات سیاسی- اقتصادی. فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶. شماره ۱۱۵ و ۱۱۶.

رنانی، محسن (۱۳۸۴). بازار یا نابازار؛ بررسی موانع نهادی کارآیی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

رئیس دانا، فریرز. (۱۳۸۶). رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی؛ بازار یا برنامه؟. فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم. شماره ۲۴. صفحات ۳۱-۵۳.

شریف زاده، فتاح و قلی پور، رحمت اله. (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. فرهنگ مدیریت. سال اول. شماره چهارم. صفحه ۹۳-۱۰۹.

صف شکن، محدثه و مومنی، فرشاد. (۱۳۹۵). دور باطل رکود توری از منظر اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی. فصلنامه مجلس و راهبرد. سال ۲۳. شماره ۸۷. پاییز ۱۳۹۵. صفحات ۲۶۳-۲۹۴.

طییبی، محمدرضا و دادفر، محمد شتا. (۱۳۹۰). استراتژی کوچک سازی به عنوان نوعی رویکرد غالب در بخش دولتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبری یاس. شماره ۲۶. صفحات ۱۴۹-۱۷۵.

طیب نیا، علی و محمدی، حسین. (۱۳۸۳). مقایسه کارایی سرمایه گذاری در بخش های خصوصی و دولتی در ایران رویکردی برای خصوصی سازی. فصلنامه برنامه و بودجه. شماره ۴. صفحات ۳-۳۶.

عباسی، بیژن و اکبری، مینا. (۱۳۹۵). نقش نهادهای عمومی غیر دولتی در خصوصی سازی ایران و آثار آن. فصلنامه عملی و پژوهشی برنامه و بودجه. سال ۲۱. شماره ۳. صفحات ۳۳-۴۸.

عظیمی، آرین. پورعزت، علی اصغر. راغفر، حسین و منوریان، عباس. (۱۳۹۸). شکست در درس آموزی از خط مشی؛ روایت نقادانه تجربه خصوصی سازی در ایران. فصلنامه علمی بهبود مدیریت. دوره ۱۳. شماره ۳. پاییز ۱۳۹۸. صفحات ۸۱-۱۰۶.

- عظیمی، حسین (۱۳۹۱). اقتصاد ایران؛ توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ. نشر نی.
- عیوضی، محمد رحیم، مرزبان، نازنین. و صالحی، معصومه. (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. فصلنامه راهبرد. سال ۲۶. شماره ۸۵. صفحات ۵۵-۸۵
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۵). اقتصاد و دولت در ایران. نشر اتاق بازرگانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). آزادسازی و عملکرد اقتصادی. نشر دنیای اقتصاد.
- قبری، علی و سپانلو، هاشم. (۱۳۸۷). موانع و مشکلات اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و وظایف نهادهای نظارتی. راهبری یاس. شماره ۱۴. صفحات ۶۱-۸۸
- کردبچه، حمید و قائمی دیزجی، آمنه. (۱۳۹۴). شبه- خصوصی‌سازی در ایران. همایش ملی حاکمیت شرکتی. دوره دوم. صفحات ۱-۳۰.
- کشاورز حداد، غلامرضا و نجاتی محرمی، زهرا. (۱۳۸۵). آزادسازی تجاری و نابرابری دستمزدها در ایران سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۲. مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۷۶. صفحات ۱۸۹-۲۱۸.
- کمیجانی، اکبر و احمدوند، محمدرحیم. (۱۳۷۸). ارزیابی اثرات کلان سیاست خصوصی‌سازی بر وضعیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی ایران. فصلنامه آینده پژوهی مدیریت. دوره ۱۱. شماره ۴. صفحات ۱۷-۴۱.
- کمیجانی، اکبر و نظری، روح‌الله. (۱۳۸۸). تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. سال نهم. شماره سوم. صفحات ۱-۲۸.
- مالجو، محمد. (۱۳۸۱). اعتراض جامعه مدنی به مثابه بدیلی برای سیاست خصوصی‌سازی در ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. دوره ۲. شماره ۶. صفحات ۱۳-۲۷.
- مالجو، محمد. (۱۳۸۴). کوچک‌سازی دولت در اقتصاد ایران: منطق حقیقت یا خطابه قدرت؟. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگوی بهمن، شماره ۴۵. صفحات ۲۵-۴۸.
- مالجو، محمد. (۱۳۸۴). کوچک‌سازی دولت در اقتصاد ایران: منطق حقیقت یا خطابه قدرت؟. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگوی بهمن، شماره ۴۵. صفحات ۲۵-۴۸.
- منوریان، عباس. (۱۳۸۰). خصوصی‌سازی؛ رویکرد تطبیقی. فرایند مدیریت و توسعه. شماره ۵۳ و ۵۴. صفحات ۴۷-۶۴.
- مولر، جری (۱۳۹۵). ذهن و بازار: جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن. ترجمه مهدی نصراله‌زاده. نشر بیدگل.
- مومنی، فرشاد (۱۳۹۹). اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری. نشر نقش و نگار.

مومنی، فرشاد و حاجی نوروزی، شیما. (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. سال هفدهم. شماره ۶۷. صفحات ۲۲۱-۲۵۲.  
نیلی، مسعود (۱۳۹۴). اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟. انتشارات دنیای اقتصاد.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). دولت و رشد اقتصادی در ایران. نشر نی.

## References

- Danai Fard, Hassan and Abbasi, Tayyaba. (1387). Administrative reforms in Iran: An analysis of government downsizing. Bimonthly scientific-research journal of Shahid University. 15th year No. 29. Pages 102-121. [In Persian]
- Eltejaei, E. (2015). Oil, government's budget and economic growth in Iran. *International Journal of Economic Policy in Emerging Economies*, 8(3), 213. <https://doi.org/10.1504/ijepee.2015.072337>.
- Eshelman, K. (2020, June 29). The Dead End of Small Government. Niskanen Center. Retrieved 2022, from <https://www.niskanencenter.org/the-dead-end-of-small-government/>.
- Esposito, J., & Ramazani, R. (2001). *Iran at the Crossroads*. Palgrave Macmillan.
- Farquharson, E., de Mästle, T. C., Yescombe, E. R., & Encinas, J. (2011). *How to Engage with the Private Sector in Public-Private Partnerships in Emerging Markets (Illustrated ed.)*. World Bank Publications.
- Finfgeld-Connett, D. (2010, February). Generalizability and transferability of meta-synthesis research findings. *Journal of Advanced Nursing*, 66(2), 246-254. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2009.05250.x>.
- Finfgeld-Connett, D. (2018). *A Guide to Qualitative Meta-synthesis*. Taylor & Francis.

- Flecker, J. (2009). Privatization of Public Services and the Impact on Quality, Employment and Productivity (PIQUE). PIQUE.
- Furner, M. O. (1996). Antistatism and Government Downsizing: An Historical Perspective. *The Future of the Public Sector*, 9, 1–4. <http://webarchive.urban.org/publications/307050.html>.
- Garth-James, K. (2016). *The SAGE Encyclopedia of Economics and Society* (1st ed.). SAGE Publications, Inc.
- Glade, W. (1989). Privatization in rent-seeking societies. *World Development*, 17(5), 673–682. [https://doi.org/10.1016/0305-750x\(89\)90067-3](https://doi.org/10.1016/0305-750x(89)90067-3).
- Goodman, J. B., & Loveman, G. W. (1991). Does Privatization Serve the Public Interest? *Harvard Business Review*. <https://hbr.org/1991/11/does-privatization-serve-the-public-interest>.
- Grindheim, J. E., & Selle, P. (1990). The role of voluntary social welfare organizations in Norway: a democratic Alternative to a bureaucratic welfare state? *Voluntas*, 1(1), 62–76. <https://doi.org/10.1007/bf01398492>
- Halton, C. (2021, July 31). Downsizing Definition. Investopedia. Retrieved August 4, 2021, from <https://www.investopedia.com/terms/d/downsize.asp>
- Jones, V. D. (1998). *Downsizing the Federal Government: Management of Public Sector Workforce Reductions: Management of Public Sector Workforce Reductions (Bureaucracies, Public Administration, & Public Policy)* (1st ed.). Routledge.
- Jones, V. D. (1998). *Downsizing the Federal Government: Management of Public Sector Workforce Reductions: Management of Public Sector*



Workforce Reductions (Bureaucracies, Public Administration, & Public Policy) (1st ed.). Routledge.

Kim, Y. (2017). Can alternative service delivery save cities after the Great Recession? Barriers to privatization and cooperation. *Local Government Studies*, 44(1), 44–63. <https://doi.org/10.1080/03003930.2017.1395740>

Klein, P. A. (1997). Downsizing Government: Size and Institutional Principles. *Journal of Economic Issues*, 31(2), 595–604. <https://doi.org/10.1080/00213624.1997.11505951>

Link, A. N. (2006). *Public/Private Partnerships: Innovation Strategies and Policy Alternatives* (2006th ed.). Springer.

Liou, K. T., & Wang, X. (2019). Managerial Value, Financial Condition, and Downsizing Reform: A Study of U.S. City Governments. *Public Personnel Management*, 48(4), 471–492. <https://doi.org/10.1177/0091026019826144>

Losman, D. L. (2010). The Rentier State And National Oil Companies: An Economic And Political Perspective. *The Middle East Journal*, 64(3), 427–445. <https://doi.org/10.3751/64.3.15>

Luban, D. (2019). What Is Spontaneous Order? *American Political Science Review*, 114(1), 1–13. <https://doi.org/10.1017/s0003055419000625>

Meissner, D., Sarpong, D., & Vonortas, N. S. (2018). Introduction to the Special Issue on “Innovation in State Owned Enterprises: Implications for Technology Management and Industrial Development.” *Industry and Innovation*, 26(2), 121–126. <https://doi.org/10.1080/13662716.2019.1551838>

Miniaoui, H. (2020). *Economic Development in the Gulf Cooperation Council Countries: From Rentier States to Diversified Economies* (Gulf Studies, 1) (1st ed. 2020 ed.). Springer.

- Mouraviev, N., & Kakabadse, N. K. (2016). *Public–Private Partnerships: Policy and Governance Challenges Facing Kazakhstan and Russia* (1st ed. 2017 ed.). Palgrave Macmillan.
- Rama, M. (1999). Public Sector Downsizing: An Introduction. *The World Bank Economic Review*, 13(1), 1–22. <https://doi.org/10.1093/wber/13.1.1>.
- Ray, P., & Maheshwari, S. K. (2017). The Essence of Downsizing: A Review of Literature. *Indian Journal of Industrial Relations*, 53(2), 290–301. [https://www.researchgate.net/publication/320244484\\_The\\_Essence\\_of\\_Downsizing\\_A\\_Review\\_of\\_Literature](https://www.researchgate.net/publication/320244484_The_Essence_of_Downsizing_A_Review_of_Literature)
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer Publishing Company.
- Shambayati, H. (1994). The Rentier State, Interest Groups, and the Paradox of Autonomy: State and Business in Turkey and Iran. *Comparative Politics*, 26(3), 307. <https://doi.org/10.2307/422114>
- Solheim-Kile, E., Lædre, O., Lohne, J., & Husefest Meland, Ø. (2014). Characteristics of Public-Private Partnerships in Norway. 22nd Annual Conference of the International Group for Lean Construction, 233–244. [https://www.researchgate.net/publication/267211482\\_CHARACTERISTICS\\_OF\\_PUBLIC-PRIVATE\\_PARTNERSHIPS\\_IN\\_NORWAY](https://www.researchgate.net/publication/267211482_CHARACTERISTICS_OF_PUBLIC-PRIVATE_PARTNERSHIPS_IN_NORWAY)
- Spindler, Z. A. (1990). A rent-seeking perspective on privatization. *North American Review of Economics and Finance*, 1(1), 87–103. [https://doi.org/10.1016/1042-752x\(90\)90007-3](https://doi.org/10.1016/1042-752x(90)90007-3)
- Vecchi, V., Casalini, F., Cusumano, N., & Leone, V. M. (2021). *Public Private Partnerships: Principles for Sustainable Contracts* (1st ed. 2021 ed.). Palgrave Macmillan.

White, M. (2010). *Accepting the Invisible Hand: Market-Based Approaches to Social-Economic Problems (Perspectives from Social Economics)* (2010th ed.). Palgrave Macmillan.

World Bank. (2017). *Public-Private Partnerships: Reference Guide Version 3* (3rd ed.). World Bank.

World Bank. (2019). Inflation, consumer prices (annual %) - United Kingdom, United States | Data. <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?end=2019&locations=GB-US&start=1960&view=chart>

World Bank. (2022). About Public-Private Partnerships. <https://ppp.worldbank.org/public-private-partnership/about-public-private-partnerships>

World Bank. (2022). General government final consumption expenditure (% of GDP) - United States | Data. Worldbank.Org. Retrieved 2022, from <https://data.worldbank.org/indicator/NE.CON.GOVT.ZS?locations=US>

Biersteker, T. J. (1990). Reducing the Role of the State in the Economy: A Conceptual Exploration of IMF and World Bank Prescriptions. *International Studies Quarterly*, 34(4), 477. <https://doi.org/10.2307/2600608>

Eltejaei, E. (2015). Oil, government's budget and economic growth in Iran. *International Journal of Economic Policy in Emerging Economies*, 8(3), 213. <https://doi.org/10.1504/ijepee.2015.072337>.

Eshelman, K. (2020, June 29). *The Dead End of Small Government*. Niskanen Center. Retrieved 2022, from <https://www.niskanencenter.org/the-dead-end-of-small-government/>.

Esposito, J., & Ramazani, R. (2001). *Iran at the Crossroads*. Palgrave Macmillan.

- Farquharson, E., de Mästle, T. C., Yescombe, E. R., & Encinas, J. (2011). *How to Engage with the Private Sector in Public-Private Partnerships in Emerging Markets* (Illustrated ed.). World Bank Publications.
- Finfgeld-Connett, D. (2010, February). Generalizability and transferability of meta-synthesis research findings. *Journal of Advanced Nursing*, 66(2), 246–254. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2009.05250.x>.
- Finfgeld-Connett, D. (2018). *A Guide to Qualitative Meta-synthesis*. Taylor & Francis.
- Flecker, J. (2009). Privatization of Public Services and the Impact on Quality, Employment and Productivity (PIQUE). PIQUE.
- Furner, M. O. (1996). Antistatism and Government Downsizing: An Historical Perspective. *The Future of the Public Sector*, 9, 1–4. <http://webarchive.urban.org/publications/307050.html>.
- Garth-James, K. (2016). *The SAGE Encyclopedia of Economics and Society* (1st ed.). SAGE Publications, Inc.
- Glade, W. (1989). Privatization in rent-seeking societies. *World Development*, 17(5), 673–682. [https://doi.org/10.1016/0305-750x\(89\)90067-3](https://doi.org/10.1016/0305-750x(89)90067-3).
- Goodman, J. B., & Loveman, G. W. (1991). Does Privatization Serve the Public Interest? *Harvard Business Review*. <https://hbr.org/1991/11/does-privatization-serve-the-public-interest>.
- Grindheim, J. E., & Selle, P. (1990). The role of voluntary social welfare organizations in Norway: a democratic Alternative to a bureaucratic welfare state? *Voluntas*, 1(1), 62–76. <https://doi.org/10.1007/bf01398492>

- Halton, C. (2021, July 31). Downsizing Definition. Investopedia. Retrieved August 4, 2021, from <https://www.investopedia.com/terms/d/downsize.asp>.
- Jones, V. D. (1998). *Downsizing the Federal Government: Management of Public Sector Workforce Reductions: Management of Public Sector Workforce Reductions (Bureaucracies, Public Administration, & Public Policy)* (1st ed.). Routledge.
- Jones, V. D. (1998). *Downsizing the Federal Government: Management of Public Sector Workforce Reductions: Management of Public Sector Workforce Reductions (Bureaucracies, Public Administration, & Public Policy)* (1st ed.). Routledge.
- Kim, Y. (2017). Can alternative service delivery save cities after the Great Recession? Barriers to privatization and cooperation. *Local Government Studies*, 44(1), 44–63. <https://doi.org/10.1080/03003930.2017.1395740>.
- Klein, P. A. (1997). Downsizing Government: Size and Institutional Principles. *Journal of Economic Issues*, 31(2), 595–604. <https://doi.org/10.1080/00213624.1997.11505951>.
- Link, A. N. (2006). *Public/Private Partnerships: Innovation Strategies and Policy Alternatives* (2006th ed.). Springer.
- Liou, K. T., & Wang, X. (2019). Managerial Value, Financial Condition, and Downsizing Reform: A Study of U.S. City Governments. *Public Personnel Management*, 48(4), 471–492. <https://doi.org/10.1177/0091026019826144>
- Losman, D. L. (2010). The Rentier State And National Oil Companies: An Economic And Political Perspective. *The Middle East Journal*, 64(3), 427–445. <https://doi.org/10.3751/64.3.15>

- Luban, D. (2019). What Is Spontaneous Order? *American Political Science Review*, 114(1), 1–13. <https://doi.org/10.1017/s0003055419000625>
- Meissner, D., Sarpong, D., & Vonortas, N. S. (2018). Introduction to the Special Issue on “Innovation in State Owned Enterprises: Implications for Technology Management and Industrial Development.” *Industry and Innovation*, 26(2), 121–126. <https://doi.org/10.1080/13662716.2019.1551838>.
- Miniaoui, H. (2020). *Economic Development in the Gulf Cooperation Council Countries: From Rentier States to Diversified Economies (Gulf Studies, 1) (1st ed. 2020 ed.)*. Springer.
- Mouraviev, N., & Kakabadse, N. K. (2016). *Public–Private Partnerships: Policy and Governance Challenges Facing Kazakhstan and Russia (1st ed. 2017 ed.)*. Palgrave Macmillan.
- \_\_\_\_ (1391). Government and economic growth in Iran. Ni publication. [In Persian]
- Rama, M. (1999). Public Sector Downsizing: An Introduction. *The World Bank Economic Review*, 13(1), 1–22. <https://doi.org/10.1093/wber/13.1.1>.
- Ray, P., & Maheshwari, S. K. (2017). The Essence of Downsizing: A Review of Literature. *Indian Journal of Industrial Relations*, 53(2), 290–301. [https://www.researchgate.net/publication/320244484\\_The\\_Essence\\_of\\_Downsizing\\_A\\_Review\\_of\\_Literature](https://www.researchgate.net/publication/320244484_The_Essence_of_Downsizing_A_Review_of_Literature)
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer Publishing Company.

- Shambayati, H. (1994). The Rentier State, Interest Groups, and the Paradox of Autonomy: State and Business in Turkey and Iran. *Comparative Politics*, 26(3), 307. <https://doi.org/10.2307/422114>
- Solheim-Kile, E., Lædre, O., Lohne, J., & Husefest Meland, Ø. (2014). Characteristics of Public-Private Partnerships in Norway. 22nd Annual Conference of the International Group for Lean Construction, 233–244. [https://www.researchgate.net/publication/267211482\\_CHARACTERISTICS\\_OF\\_PUBLIC-PRIVATE\\_PARTNERSHIPS\\_IN\\_NORWAY](https://www.researchgate.net/publication/267211482_CHARACTERISTICS_OF_PUBLIC-PRIVATE_PARTNERSHIPS_IN_NORWAY).
- Spindler, Z. A. (1990). A rent-seeking perspective on privatization. *North American Review of Economics and Finance*, 1(1), 87–103. [https://doi.org/10.1016/1042-752x\(90\)90007-3](https://doi.org/10.1016/1042-752x(90)90007-3)
- Vecchi, V., Casalini, F., Cusumano, N., & Leone, V. M. (2021). *Public Private Partnerships: Principles for Sustainable Contracts* (1st ed. 2021 ed.). Palgrave Macmillan.
- White, M. (2010). *Accepting the Invisible Hand: Market-Based Approaches to Social-Economic Problems (Perspectives from Social Economics)* (2010th ed.). Palgrave Macmillan.
- World Bank. (2017). *Public-Private Partnerships: Reference Guide Version 3* (3rd ed.). World Bank.
- World Bank. (2019). Inflation, consumer prices (annual %) - United Kingdom, United States | Data. <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?end=2019&locations=GB-US&start=1960&view=chart>
- World Bank. (2022). About Public-Private Partnerships. <https://ppp.worldbank.org/public-private-partnership/about-public-private-partnerships>

World Bank. (2022). General government final consumption expenditure (% of GDP) - United States | Data. Worldbank.Org. Retrieved 2022, from <https://data.worldbank.org/indicator/NE.CON.GOV.T.ZS?locations=US>

### **Translated References into English**

Abbasi, Bijan and Akbari, Mina. (2015). The role of non-governmental public institutions in the privatization of Iran and its effects. Quarterly practical and research program and budget. Year 21. Number 3. Pages 33-48. [In Persian]

Ahmadi, Hamid and Sattari, Sajjad. (2012). The political economy of underdevelopment of privatization in Iran: existing approaches, new approaches. Politics Quarterly. Volume 43. Number 2. Pages 49-68. [In Persian]

Alwani, Seyyed Mehdi and Mobaser, Dariush. (2012). Investigating the effects of new public management strategies on the Islamic Republic of Iran government organizations. Interdisciplinary studies of strategic knowledge. third year Number 12. Pages 23-48. [In Persian]

Alwani, Seyyed Mehdi. (1384). The bottlenecks of modern public administration. light courier Third period. Number three. Pages 3 to 11. [In Persian]

Ayouzi, Mohammad Rahim, Marzban, Nazanin. and Salehi, Masoumeh. (2016). From good governance review to sustainable governance model. Strategy Quarterly. Year 26. Number 85. Pages 55-85. [In Persian]

Azar, Adel., Lashgari, Zahra., and Amrai, Hafez. (1390). Performance, challenges and solutions of privatization in Iran. Economic Sciences Quarterly. fifth year Number 16. Pages 9-25. [In Persian]

Azimi, Arin. Pourezat, Ali Asghar. Raghofer, Hossein and Manourian, Abbas. (2018). Failure to learn from the policy; Critical narrative of



privatization experience in Iran. *Scientific Quarterly Journal of Management Improvement*. Volume 13. Number 3. Autumn 2018. Pages 81-106. [In Persian]

Azimi, Hossein (1391). *Iran's economy; Development, planning, policy and culture*. Ni publication. [In Persian]

Behkish, Mohammad Mehdi (2015). *Iran's economy in the context of globalization*. Ni publication. [In Persian]

Biersteker, T. J. (1990). Reducing the Role of the State in the Economy: A Conceptual Exploration of IMF and World Bank Prescriptions. *International Studies Quarterly*, 34(4), 477. <https://doi.org/10.2307/2600608>

Brock, T. (2022, April 28). What Is a Public-Private Partnership? Investopedia. <https://www.investopedia.com/terms/p/public-private-partnerships.asp>. [In Persian]

Cameron, K. S. (1994). Strategies for successful organizational downsizing. *Human Resource Management*, 33(2), 189–211. <https://doi.org/10.1002/hrm.3930330204>. [In Persian]

Christensen, T., Fimreite, A. L., & Læg Reid, P. (2013). Joined-Up Government for Welfare Administration Reform in Norway. *Public Organization Review*, 14(4), 439–456. <https://doi.org/10.1007/s11115-013-0237-8>. [In Persian]

Danaei Fard, Hassan and Elwani, Seyyed Mehdi. (1385). Transformation strategy in Iran's public sector. *Bimonthly scientific-research journal of Shahid University*. Thirteenth year. New period, No. 17. Pages 120-97. [In Persian]

Ghaninejad, Musa (2015). *Economy and government in Iran*. Publication of the Chamber of Commerce. [In Persian]

\_\_\_\_\_ (2014). Liberalization and economic performance. The World of economics publication. [In Persian]

Ghanbari, Ali and Sepanlou, Hashem. (1387). Obstacles and problems of implementing the general policies of Article 44 and the duties of regulatory institutions. Yas leadership. Number 14. Pages 61-88. [In Persian]

Habibnejad, Seyed Ahmad and Salmani Sibani, Marzieh. (2019). Comparative analysis of the theory of the welfare state and the Islamic Republic of Iran's legal system in poverty alleviation. Scientific Quarterly of Modern Administrative Law Researches, second year, fifth issue. [In Persian]

Heshmatzadeh, Mohammad Bagher., Haji Yousefi, Amir Mohammad., and Talebi, Mohammad Ali. (2016). Examining the obstacles to realizing good governance in Iran's political culture. Contemporary political essays. Hashtag year Number one. Pages 1-24. [In Persian]

Kamijani, Akbar and Ahmadvand, Mohammad Rahim. (1378). Evaluating the macro effects of privatization policy on the financial situation of the Iranian government and state-owned companies. Future Management Quarterly. Volume 11. Number 4. Pages 17-41. [In Persian]

Kamijani, Akbar and Nazari, Ruhollah. (1388). The effect of government size on economic growth in Iran. Economic Research Quarterly. ninth year Number three. Pages 1-28. [In Persian]

Keshavarz Haddad, Gholamreza and Nejati Moharrami, Zahra. (1385). Trade liberalization and wage inequality in Iran in 1380-1382. Journal of economic research. No. 76. Pages 189-218. [In Persian]

Kordbcheh, Hamid and Ghaemi Dizji, Amina. (2014). Pseudo-privatization in Iran. National corporate governance conference. Second period. Pages 1-30. [In Persian]

- Maljo, Mohammad. (1381). Civil society protest as an alternative to privatization policy in Iran. *Social welfare scientific-research quarterly*. Volume 2. Number 6. Pages 13-27. [In Persian]
- Maljo, Mohammad. (1384). Downsizing of the government in Iran's economy: the logic of truth or rhetoric of power? *Bahman Cultural and Social Quarterly*, No. 45. Pages 25-48. [In Persian]
- Maljo, Mohammad. (1384). Downsizing of the government in Iran's economy: the logic of truth or rhetoric of power? *Bahman Conversation Cultural and Social Quarterly*, No. 45. Pages 25-48. [In Persian]
- Manourian, Abbas. (1380). privatization; Adaptive approach. *Management and development process*. No. 53 and 54. Pages 47-64. [In Persian]
- Momeni, Farshad (2019). Iran's economy in the period of structural adjustment. *Publication of Naqsh and Nagar*. [In Persian]
- Momeni, Farshad and Haji Nowrozi, Shima. (2016). The political economy of privatization with corruption. *Economic Research Quarterly*. 17th year No. 67. Pages 221-252. [In Persian]
- Razaghi, Ibrahim. (1376). The effect of privatization on the security and social stability of Iran. *Journal of Political-Economic Information*. April and May 1376. No. 115 and 116. [In Persian]
- Renani, Mohsen (1384). market or non-market; Investigating the institutional barriers to the effectiveness of the market economic system in Iran's economy. *Publications of the country's management and planning organization*. [In Persian]
- Muller, Jerry (2015). *Mind and market: the place of capitalism in modern European thought*. Translated by Mehdi Nasralezadeh. Bidgol publication. [In Persian]

Nili, Masoud (2014). Where is Iran's economy going? World of Economics Publications. [In Persian]

\_\_\_\_ (1391). Government and economic growth in Iran. Ni publication. [In Persian]

Raesdana, Freeborz. (1386). economic growth and social justice; Market or program? Social Welfare Research Quarterly, 6th year. No. 24. Pages 31-53. [In Persian]

Safshekan, Muhaddith and Momeni, Farshad. (2015). The vicious cycle of inflation stagnation from the perspective of implementing economic adjustment policies. Majlis and Strategy Quarterly. Year 23. Number 87. Paynez 2015. Pages 263-294. [In Persian]

Sharifzadeh, Fattah and Qolipour, Rahmatullah. (1382). Good governance and the role of the government. Management culture. first-year Number four. Page 93-109. [In Persian]

Tabibi, Mohammadreza and Dadfar, Mohammadshata. (1390). Downsizing strategy as a dominant approach in the public sector of the Islamic Republic of Iran. Yas Leadership Quarterly. No. 26. Pages 149-175. [In Persian]

Tayebnia, Ali and Mohammadi, Hossein. (1383). Comparing the efficiency of investment in private and public sectors in Iran, an approach to privatization. Program and Budget Quarterly. Number 4. Pages 3-36. [In Persian]

---

استناد به این مقاله: حداد، غلامرضا و آل علی، علی. (۱۴۰۳). فراترکیب آراء پژوهشگران ایرانی درباره کوچک‌سازی دولت در ایران. دولت‌پژوهی، ۱۰ (۳۹)، ۲۰۹-۲۵۲.

Doi: 10.22054/tssq.2025.70381.1339



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License